

مجموعه‌ی «فقه مدرسه»

پرسش‌های فقهی تعلیم و تربیت والدین و دانش‌آموزان



شناسنامه

نام: پرسش‌های فقهی تعلیم و تربیت: والدین و دانش‌آموزان
گردآورنده: محمدرضا اشرف کاشانی، محمد روحانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دینوک

فروشگاه تخصصی کتب دینی



۷	سخن نا شر.....
۱۱	مقدمه.....
۲۱	اهتمام والدین به تربیت فرزندان.....
۶۵	سلامت محیط آموزشی فرزندان.....
۱۰۱	سلامت محتوای آموزشی فرزندان.....
۱۲۹	مقررات مدرسه و رفتارهای تحصیلی دانش آموز.....
۱۶۳	مسائل مالی محصلان.....
۱۹۵	پیوست: توضیح اصطلاح‌های فقهی.....
۲۰۱	فهرست منابع.....



دین مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها برای زندگی فردی و اجتماعی است. ماهیت فرازمانی دین اقتضا می‌کند تا در موقعیت‌های گوناگون زندگی، راه‌حلی در اختیار متدینان قرار دهد تا پیوند دین و زندگی آن‌ها همواره حفظ شود.

از آن مجموعه «علم فقه» به شکل عملی و کاربردی، تکلیف متشرعان را در مواجهه با موقعیت‌های مختلف مشخص می‌کند؛ شرایطی که به دلیل وقوع حوادث خرد و کلان یا با پیدایش نهادهای جدید سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه‌ی مسلمانان اتفاق می‌افتد. تشکیل احزاب، تأسیس بیمه و بانک و راه‌اندازی مدارس جدید از مصادیق پیدایش نهادهای جدید در جامعه‌ی مسلمانان است. فقهای پارسا و پاسداران دین در پاسخ به استفتائات، به تبیین پذیرش این نهادها و چگونگی به‌کارگیری آن در میان مسلمانان اهتمام داشته‌اند؛ به گونه‌ای که تداوم و بقای آن و انتخاب و گزینش از بین وجوه مختلف کارکردی آن، با جامعه‌ی مسلمانان تناسب داشته باشد.

خانواده‌های مسلمان هم در تأسیس این مدارس و هم در استفاده از خدمات آن برای فرزندانشان نقش دارند. به اقتضای چگونگی شکل‌گیری نهاد آموزش و پرورش جدید و اهداف و آثار آن در جامعه‌ی مسلمانان، سیر تکوین استفتائات ناظر به شناخت این جریان است که:

الف) موضع والدین پیرامون حضور فرزندشان در مدارس مدرن چگونه باید باشد؟

ب) والدین نسبت به محتوای دروس فرزندان خود چه مسئولیتی دارند؟
ج) والدین در قبال شرایط اخلاقی و دینی محیط تحصیل فرزندان خود چه مسئولیتی دارند

د) محصلان در قبال محیط تحصیلی خود چه الزامات و تعهداتی را باید رعایت کنند؟

ه) استفاده از اموال مدارس برای دانش‌آموزان چه حدودی دارد؟
این مسیر پرسش و پاسخ از فقها تا حدود زیادی مواجهه‌ی متدینان را با پیدایش یک نهاد نوظهور اجتماعی در جامعه نشان می‌دهد.

استفتائات جمع‌آوری‌شده، بیش از آن که در مقام ارائه‌ی یک «نظام» مطلوب آموزشی از دیدگاه فقه باشد، نقاط پراکنده‌ای را نشان می‌دهد که کنار هم قرارگرفتن آن‌ها، دغدغه‌های مؤمنان را در پیدایش نهاد جدید آموزش و پرورش نوین در جامعه به تصویر می‌کشد.

انتشار این مجموعه به این دلیل مفید است که در پیوند دین با آموزش و پرورش در دنیای جدید، به پرسشگری‌های نهاد آموزش از فقها و مرزداران دین، نظام می‌بخشد؛ راه‌های نرفته و موضوعات مهم فروگذاشته شده را نشان می‌دهد و در بستر یک جامعه‌ی متعهد به رعایت موازین فقهی، ملاحظات مختلفی را که به رشد نهاد آموزش کمک می‌کند، در کنار هم قرار می‌دهد.

در پایان، از مؤسسه‌ی مطالعات تعالی نسل (متن) که هدایت و راهبری تدوین این مجموعه را بر عهده داشته و از حجج اسلام محمد رضا اشرف کاشانی و سید محمد مهدی طاهایی برای آماده‌سازی نسخه‌ی اولیّه، آقای محمد روحانی برای تنظیم، ویراستاری نهایی و آماده‌سازی نسخه‌ی پایانی، آقای سید محمد احمدی برای بازبینی ترجمه‌ها، آقای محمد نوبختی برای کنترل منابع و تنظیم کتاب‌نامه و سایر عزیزانی که با صبوری و حوصله در فراهم آوردن این مجموعه به نحوی همکاری داشتند، قدردانی می‌کنیم.

پاییز ۱۳۹۷





زندگی

یکی از مهم‌ترین واجبات دین مبین اسلام، فراگیری احکام آن است. فهم درست احکام و عمل به آن، تضمین‌کننده‌ی سعادت انسان است. کسی که اسلام را برمی‌گزیند، باید برنامه‌های آن را در همه‌ی قلمروهای زندگی به‌طور کامل بپذیرد و رفتار و عملکرد خویش را مطابق با احکام دین تنظیم کند. برای این کار لازم است انسان مسلمان آن مقدار از احکام دین را که با آن مواجه است، بشناسد تا بتواند آن را در زندگی اجرا کند. قرآن کریم و روایات ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام با تأکید بسیار بر این موضوع، همگان را به یادگرفتن احکام دین تشویق و ترغیب کرده‌اند و از ضررهای فراوان آشنا نبودن با احکام الهی برحذر داشته‌اند. مردی به امام صادق علیه‌السلام عرض کرد:

فرزندی دارم که دوست دارد مسائل حلال و حرام را از شما بی‌پرسد و از مطالبی که به او مربوط نیست، پرسش نمی‌کند. حضرت صادق علیه‌السلام فرمودند:

آیا بهتر از حلال و حرام سؤال هست که مردم بپرسند؟!^۱

علم فقه از مقدس‌ترین علوم ارزنده‌ی اسلامی، عهده‌دار بیان روش صحیح بندگی خداوند متعال و کیفیت صحیح آن است. این علم در عصر پیامبر اکرم ﷺ و امامان علیهم‌السلام، پژوهندگان زیاد و رونقی چشم‌گیر داشته و مورد توجه پیروان دین بوده است؛ به‌ویژه در زمان امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام که دانشمندان بسیاری در مسائل مختلف دینی و فروع احکام در محضر آن دو پیشوای بزرگ شیعه پرورش یافتند.

در زمان حضور ائمه علیهم‌السلام، خود امامان علیهم‌السلام عهده‌دار بیان احکام الهی بودند. هم‌چنین این موضوع را به عهده‌ی اصحاب و شاگردان خاص خویش نیز می‌گذاشتند. ائمه علیهم‌السلام مردم را به مراجعه به اشخاص فاضلی مانند زراره، محمد بن مسلم، ابوبصیر و آبان بن تغلب توصیه می‌کردند و آنان نیز مسائل حلال و حرام و احکام دین را در اختیار مراجعان می‌گذاشتند.

با فرا رسیدن دوران غیبت امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف، استمرار بیان حلال و حرام و روشنگری برنامه‌های زندگی در جامعه، به فقهای جامع‌الشرايط واگذار گردید و موضوع فتوا و تقلید به‌طور گسترده‌ای رواج یافت.

احکام عملی دین بسیار گسترده است؛ زیرا همه‌ی اعمال انسان‌ها را اعم از عبادی، اقتصادی، فردی، خانوادگی، اجتماعی، قضایی، جزایی و... در بر می‌گیرد. درباره‌ی این دسته از احکام الهی، توجه به دو نکته لازم است:

۱. شاخه‌های علم متعدد است. ممکن است فردی در یک رشته مهارت فوق‌العاده‌ای داشته و از رشته‌ی دیگر بی‌اطلاع باشد. در نتیجه، انسان به حکم عقل باید در رشته‌ای که تخصص ندارد، به کارشناس همان

۱. المحاسن ۱: ۲۲۹، ح ۱۶۸. [پاورقی متن اصلی]

رشته مراجعه و از گفته‌ی او پیروی کند؛ مثلاً متخصص رایانه، هنگام مریضی باید به پزشک مراجعه کند؛ زیرا با بیماری‌ها و روش معالجه‌ی آن‌ها آشنا نیست. از این رو، پیروی از گفته‌ی پزشک را بر خود لازم می‌داند. به طور کلی، برای انجام دادن هر کاری که راه و روش آن را نمی‌دانیم، به تجربه‌ی همان کار مراجعه می‌کنیم و راه و چاره‌ی آن را از متخصص همان حرفه می‌پرسیم. آشنایی با احکام شرعی و شناخت حلال و حرام الهی نیز به همین شیوه است. از این رو، باید به فقیه که متخصص و کارشناس احکام دین است، مراجعه کرد.

۲. فهمیدن و به دست آوردن مطالب و معارفی که در قرآن مجید و روایات اهل بیت علیهم السلام آمده، آسان نیست و به تخصص و مهارت احتیاج دارد. تا کسی در ادبیات عرب و علوم مختلف اسلامی از قبیل تفسیر قرآن، درایه (حدیث‌شناسی)، رجال (شناخت راویان احادیث)، اصول فقه و... تخصص و مهارت نداشته باشد (اصطلاحاً مجتهد و فقیه نباشد)، هرگز نمی‌تواند احکام خداوند متعال را از منابع دین استخراج کند. رساله‌ی توضیح المسائل، محصول عمر یک فقیه است که با تکیه بر تخصص خود و با زحمت‌های طاقت‌فرسا، آن را از منابع دینی استنباط کرده و در دست‌رس مردم گذاشته است.

با توجه به آنچه بیان شد، برای یافتن شیوه‌های زندگی منطبق بر آموزه‌های دینی، مراجعه به فقها و عالمانی که راه اجتهاد و فقاقت را با آن وسعت و گستردگی پیموده‌اند، لازم است. از این رو، مسئله‌ی تقلید از مجتهد، به حکم عقل و منطق ثابت می‌گردد. هم‌چنین معلوم می‌شود که تقلید به

معنای پیروی کورکورانه^۱ نیست؛ بلکه به معنای مراجعه‌ی غیرمخصص در مسائل دینی، به متخصص است. می‌توان این حدیث از امام عسکری علیه السلام را مؤید این مطلب دانست:

فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالَفًا عَلَى هَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ، فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقْلَدُوهُ.^۲

و اما هر کس از فقها که صیانت نفس^۳ داشته باشد، حافظ و نگهبان دین الهی خویش باشد، با هوای نفس خود مخالفت کند و مطیع فرمان مولای خویش باشد، بر مسلمانان است که از او تقلید کنند.

اکنون با توجه به آن چه ذکر گردید، روشن می‌شود که اظهار نظر در مسائل دینی و احکام شرعی بر کسانی که به رتبه‌ی اجتهاد نرسیده‌اند و با ادله‌ی احکام آشنایی ندارند، جایز نیست و بر مؤمنان واجب است در تمام احکام دینی و مسائل شرعی به مراجع بزرگوار تقلید و اسلام‌شناسان مورد اعتماد، مراجعه کنند.^۴

فروشگاه تخصصی کتب دینی

یکی از زمینه‌های رشد و توسعه‌ی دانش فقه، نیازها، پرسش‌ها و مراجعات مردم بوده است. آن بخش از فقه که پرسش‌های مردم در آن بیش‌تر بوده، بیش‌تر توسعه یافته است. گاهی برخی زمینه‌ها به دلیل اهمّیت بیش‌تر، جداگانه نیز مورد توجه قرار گرفته و تدوین شده است.

۱. اسلام با تمام قوا با پیروی کورکورانه مبارزه کرده است و قرآن مجید نیز آن را یکی از ناپسندترین صفات انسانی معرّفی می‌کند.

۲. وسائل الشّیعه ۲۷: ۱۳۱، ح ۳۳۴۰۱. [پاورقی متن اصلی]

۳. مالک نفس خود و نگهبان آن باشد تا بتواند خویش‌تن را در مقابل هر گونه انحراف و کج‌روی از راه مستقیم و مسیر بندگی خداوند متعال، مصون و ایمن نگاه بدارد.

۴. برگرفته از: حسینی سیستانی، توضیح المسائل جامع ۱: ۳۱-۳۸.

شیوه‌ی تخصصی مشاغل امروز اقتضا می‌کند که هر صنف، از مسائل شغل خود آگاهی پیدا کند. بنابراین، نیاز به تدوین رساله‌های موضوعی بیش‌تر احساس می‌شود. در وضعیّت کنونی، در موضوعات مختلفی مانند مسائل بانوان، خانواده، بانک، درمان، ورزش و... می‌توان به مجموعه‌هایی فقهی دسترسی پیدا کرد. به نظر می‌رسد «مدرسه» یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که جا دارد بیش‌تر مورد توجّه فقهی قرار گیرد.

مدرسه بستر تربیت نسل آینده است و شایسته است تأثیرگذاران و تأثیرپذیران این بخش (معلّمان، مدیران، دانش‌آموزان و والدین) با مسائل خود در بستر تحصیل و مدرسه آشنا شوند. برای این مهم، راهی طولانی در پیش است تا به صورت فنی و گسترده بتوان مسائل این حوزه‌ی حسّاس را کاوید و احکام مربوط را به دست آورد. این کار مستلزم مطالعات میان‌رشته‌ای «فقه» و «تعلیم و تربیت» است که در جای خود بررسی شده است.

در نوشته‌ی پیش رو، تلاش شده از میان منابع مکتوب، فتاوا و استفتاهای مورد ابتلا در موضوع مدرسه و محیط آموزشی جمع‌آوری شود تا دسترسی به احکام مدارس برای مخاطبان آن، آسان شود. این استفتائات و فتاوا در سه جلد ارائه شده است:

- مدیران مدارس و فعّالان تربیتی؛
- معلّمان و مربّیان؛
- والدین و دانش‌آموزان.

البته بعضی مطالب به دلیل اشتراک موضوعی، در بیش از یک جلد مطرح شده است.

روشن است آنچه در این مجموعه گردآوری شده، بخش کوچکی از نیازهای این حوزه را پوشش می‌دهد؛ اما شاید راه‌گشای دل‌سوزان تعلیم و

تربیت فرزندان این مرز و بوم قرار گیرد. امید است این نوشته، اهل فضل را به تکاپوهای تکمیلی تشویق کند و مقدّمه‌ای بر توسعه‌ی پژوهش‌ها در این زمینه شود.

برای استفاده‌ی هر چه بهتر از مجموعه‌ی حاضر، تذکّر چند نکته را لازم می‌دانیم:

۱. یک تفاوت مهم میان رساله‌های استفتائات و رساله‌های عملیه این است که هنگام نوشتن رساله‌ی عملیه، تنظیم و تبویب مسائل در دست خود فقیه است و او مسائل را در عناوین کلی فقهی ذکر می‌کند؛ ولی آن چه به صورت مجموعه‌ی استفتائات جمع‌آوری شده، بیش‌تر ناظر به جزئیات و مصادیق عملی و موضوعات خارجی است. بسیاری از آن چه در این مجموعه جمع‌آوری شده، سؤالات ناظر بر نیازها و مشکلات جاری مدارس از نگاه پرسش‌کننده است. پراکندگی این نیازها و مشکلات و اختلاف سلیق و دیدگاه‌ها باعث شده تا برخی سؤالات با چند عنوان فقهی تناسب داشته باشند. در این مجموعه، تلاش شده فتاوا و استفتائات در ساختاری متناسب با فضای مدرسه‌داری طبقه‌بندی شوند. ضمن آن که آوردن متن سؤال به منزله‌ی تأیید دیدگاه پرسش‌کننده نیست.

۲. کتاب حاضر شامل استفتائات اشخاص مختلف از طبقات گوناگون از مراجع عظام است. گاهی پرسش‌کننده، شخصی عالم و فاضل بوده و گاه فردی عادی و دور از علم فقه. از این رو، سطح علمی سؤال‌ها یکسان نیست. در نتیجه، جواب‌ها نیز در یک سطح قرار ندارند.

۳. گردآورندگان این مجموعه بر این باورند که پرسش مسائل از محضر مراجع، امری است محتاج توانمندی فنی، آگاهی به اصطلاحات و

عبارات فقهی و شناخت دقیق از موضوع و شرایط محیطی. تجربه نشان می‌دهد در مواردی پرسش‌های مطرح‌شده، توسط عزیزانی بوده که از این دانش و مهارت برخوردار نبوده‌اند و از آن‌جا که پاسخ‌ها متناسب با متن ارائه شده است، همه‌ی ابعاد موضوع در استفتا و پاسخ منعکس نشده است. بر این اساس، توصیه می‌شود که مخاطبان در مسائل مورد نیاز تا حدّ ممکن به نمونه‌های ارائه‌شده در این مجموعه اکتفا نکنند و پرسش‌های دقیق‌تری را از دفاتر مراجع عظام بپرسند.

۴. در مجموعه‌ی حاضر تلاش شده تا اختلاف فتاوا با استناد به منابع موجود تبیین شود؛ اما از آن‌جا که نظر همه‌ی مراجع در یک موضوع با مراجعه به استفتانات موجود از آن‌ها روشن نمی‌شود، رعایت قواعد و احکام تقلید را در عمل به این مسائل به خوانندگان یادآوری می‌کنیم؛ از جمله:

الف) گاهی برخی فتاوا همراه با تشخیص مصداق است؛ یعنی دو شأن «بیان حکم» و «تشخیص» با هم در یک پاسخ وجود دارد.

ب) درک دقیق برخی فتاوا نیازمند مراجعه به ابواب فقهی مرتبط با آن و مطالعه‌ی بیش‌تر است.

۵. برخی سؤال‌ها و مسائل با یک‌دیگر مشابه‌اند؛ اما نوعاً در هر سؤال، نکته‌ی جدیدی وجود دارد. علاوه بر این، بسیاری از سؤال‌ها، پرسش از نمونه‌ها و مصادیق خارجی متمایز است و نباید توهّم اختلاف در حکم پیش‌آید که این امر به دقت بیش‌تری نیاز دارد.

۶. برخی مسائل یا استفتاها ناظر به فضای دانشگاه، اداره‌ها یا حوزه‌های علمیّه است؛ اما به دلیل تناسب محتوایی با احکام مدارس، در این مجموعه گردآوری شده‌اند.

۷. استفتائات این مجموعه، منحصر به یک کشور نیست؛ بلکه حاصل نامه‌هایی است که از کشورهای مختلف به مراجع رسیده است. بنابراین، ممکن است برخی پرسش‌ها با محیط و وضعیت فرهنگی ایران سازگار نباشد.

۸. برخی از سؤالات این مجموعه مربوط به دهه‌های گذشته یا دربرگیرنده‌ی پیش‌فرض‌هایی است که صحت آن‌ها برای صاحب‌نظران تعلیم و تربیت قطعی نیست. با توجه به تحولات دانش علوم تربیتی و تغییرات فرهنگ مدرسه‌داری، ممکن است عمل بر اساس آن استفتائات در شرایط فعلی امکان‌پذیر یا قابل توجیه نباشد.

در پایان، برخی قواعد و ملاحظات را که در تنظیم این مجموعه مورد دقت قرار گرفته است، یادآور می‌شویم:

۱. بنای این مجموعه به گردآوری مسائل مربوط به مدرسه از متون فقهی موجود بوده است؛ اما در موارد معدودی برای تکمیل مباحث، مسائلی از دفاتر مراجع عظام استفتا شده است. این استفتائات، کتبی و از طریق نامه یا سایت مراجع انجام شده است. بر خود لازم می‌دانیم که از همکاری و زحمات دفاتر مراجع عظام قدردانی کنیم.

۲. در مواردی که فهم بهتر مسائل نیازمند توضیح بوده، توضیح‌های کوتاه داخل [] به متن اضافه شده و توضیح‌های طولانی، در پاورقی ذکر شده است. همه‌ی این موارد به قلم گردآورنده‌ی این مجموعه است. لازم به تذکر است در مواردی که پاورقی نیز از منبع نقل شده باشد، با عبارت «[پاورقی متن اصلی]» مشخص شده است. هم‌چنین در پایان کتاب، اصطلاحات فقهی به کاررفته در کتاب در قالب پیوست توضیح داده شده است.

۳. مسائل و استفتائاتی در منابع اصلی و اولی به زبان عربی بوده که برای حفظ پیوستگی و راحتی خواننده، به زبان فارسی ترجمه شده است. متن اصلی این موارد در پیوست کتاب و شماره‌ی پیوست، در متن اصلی در پرانتز بالا نویس شده است.

۴. در مواردی که منبع یک فتوا رساله‌ی محشی بوده، در صورتی که متن نقل شده در کتاب حاضر نظر حاشیه‌نویس رساله بوده، در پاورقی نام مرجع مورد نظر ذکر شده است؛ برای مثال: «بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع (محشی) ۲: ۸۷۳». (نظر آیت‌الله صافی گلپایگانی) یعنی نظر آیت‌الله صافی گلپایگانی در متن ذکر شده است.

۵. در مسائلی که متون متعدّد فتوایی به آن پرداخته‌اند اما اختلاف چشم‌گیری در میان آن‌ها وجود ندارد، تلاش شده روان‌ترین عبارت انتخاب شود.

۶. در چینش مسائل و استفتائات ذیل هر عنوان، بنا بر آن بوده که ابتدا مسائل کلی و حاوی ضابطه ذکر گردد، سپس سؤالات و مسائل جزئی و موردی بیان شود.

۷. در متن این کتاب، علامت  به معنای مسئله‌ی شرعی،  به معنای استفتا از مرجع تقلید و  به معنای پاسخ استفتا است.

در پایان، از توجّه اهل دقّت و فضل تشکر می‌کنیم و امید داریم با انتقادات و تذکرات مشفقانه‌ی خود ما را در تکمیل این مجموعه یاری رسانند.

مؤسسه مطالعات تعالی نسل (متن)

پاییز ۱۳۹۷



فصل اول

اهتمام والدین به تربیت فرزندان

۱. ضرورت اهتمام به تربیت فرزندان ۲۳
۲. ارشاد جاهل ۲۶
۳. امر به معروف و نهی از منکر ۳۰
۴. غیبت و افشای سر ۴۹
۵. تجسس و سوء ظن ۵۳
۶. تنبیه بدنی ۵۷

از آموزه‌های دینی برمی‌آید که خداوند وظیفه‌ی رشد و تربیت فرزندان را بر عهده‌ی ولیّ او نهاده است و امروزه یکی از نیازهای آنان کسب سواد و تحصیل دانش‌های جدید است که عموماً از طریق مدارس این امر تحقق پیدا می‌کند. لذا والدین باید تحصیل و تربیت را به صورت توأم و در کنار هم دنبال کنند.

در زندگی امروز، نهادهای اجتماعی، تعلیم و تربیت نسل بعد را بر عهده گرفته‌اند و در بیش‌تر موارد افراد ناگزیرند به برخی از این نهادها مراجعه کنند. این‌که فرد به چه محیطی برای تحصیل مراجعه کند یا والدین فرزندان خود را به کدام مدرسه و آموزشگاه بسپارند و شرایط کلی آن چیست، برای مؤمنان پرسش‌هایی را به وجود آورده است. آموزش و تربیت هیچ‌گاه از یک‌دیگر تفکیک روشنی ندارند؛ هر محیط آموزشی تأثیرات تربیتی نیز دارد و نه محصل و نه والدین او مجاز نیستند بدون رعایت حدود الهی به هر محیطی اعتماد کنند. از طرف دیگر اصل تحصیل و رشته‌ی تحصیلی، در آینده‌ی فرد و جامعه تأثیراتی دارد که برخی احکام آن از فقها پرسیده شده است. این فتاوا نشان می‌دهد والدین و محصلان برای کسب رضای شارع باید به نتایج و عواقب مسیر تحصیل و محیط آن کاملاً توجه کنند.

این فصل به برخی فتاوا و پرسش‌های فقهی مرتبط با این بعد اختصاص دارد.

۱. ضرورت اهتمام به تربیت فرزندان

📖 از مهم ترین مطالب اسلامی، توجّه به وضع تعلیم و تربیت فرزندان و مراقبت در حسن ترقّی و تکامل علمی و تربیتی آنهاست.^۱

📖 برای پدر شایسته است فرزندش را طوری تربیت کند که به آن وسیله دین و جسم و کردارش اصلاح گردد که نقل شده است: «از حقوق فرزند بر پدرش نیکو ساختن تربیت اوست.» و نیز روایت شده: «باید کودک را برای شش یا هفت سال برای بازی رها کرد و برای هفت سال [دوم] خود پدر با او همراه شود و به او ادب و قرآن بیاموزد و هفت سال [سوم] به او حلال و حرام را آموزش دهد.» همان چنان که لازم است او را - به وسیله‌ی تفهیم و آموزش و حکمت و موعظه‌ی نیکو - از آداب و رسوم کفر و جاهلیّت و از انحراف و رذائل [اخلاقی] دور کند و سستی و کوتاهی در این امر روا نیست؛ چه این که در آن [کوتاهی] فساد نابودی فرد و جامعه نهفته است. خدای متعال فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده‌تان را از آتش محافظت کنید.»

هم چنان که برای مرثی شایسته است با او راه مدارا و نرمی و آرامش را هم در امر تربیت و هم سایر امور در پیش گیرد. نیز [شایسته است] حُسن معاشرت و رفت‌وآمد و محبّت کردن و صمیمیت ورزیدن برای آن که [مترثی] به‌سوی او جذب شده و از وی پذیرش داشته باشند و با او تعامل کند. خدای متعال فرمود: «به‌سوی راه پروردگارت با حکمت و موعظه نیکو دعوت نما!» و از پیامبر ﷺ [نقل است] که فرمود: «مدارا بر هیچ چیز قرار داده نشد، مگر آن که آن را زینت بخشید و از هیچ چیز جدا نشد، مگر آن که

مایه‌ی ننگ و زشتی آن شد.» و فرمود: «خداوند رحمت کند آن پدر و مادری را که فرزندان را بر نیکی به والدینش یاری کنند.» و دیگر احادیث.^{۱ و ۲}

✉ بفرمایید ولی طفل در رابطه با تعلیم و تعلّم او چه وظیفه‌ای دارد؟

✍ برای ولی جایز است بچه را به امینی که او را تعلیم صنعت یا قرائت قرآن یا خط و حساب یا علوم دیگری که برای دین و دنیای او نافع است، بسپارد و لازم است که بچه را از آن چه موجب فساد اخلاق او می‌شود یا به عقایدش ضرر می‌زند، حفظ کند.^۲

✉ در حال حاضر که جامعه‌ی اسلامی با تهاجم فرهنگی روبروست، شما برای

جوانان چه توصیه‌ای دارید؟ وظیفه‌ی جوانان چیست؟

✍ با شرکت در مجالس دینی و استفاده از عالم متبحّر در تحکیم عقاید و معارف حقّه و پی‌بردن به نتایج اعمال و عواقب گناهان، خود را آماده‌ی دفاع در مقابل هجوم فرهنگی بنمایند؛ و الله العالم.^۳

✉ دنیای مدرن، تمام احساسات، عواطف، عقل و ذهن بشر را درنور دیده و بر

همه‌ی امکانات انسان سیطره یافته و از انسان در حقیقت به عنوان یک ابزار استفاده می‌کند. در این میان تکنولوژی که نقش اوّل را بازی می‌کند، رشد و توسعه‌ی فزاینده‌ی آن در عصر مدرن، تمام حقیقت انسان را به زیر سلطه‌ی خود درآورده است؛ تا آن جا که فکر و اندیشه‌ی بشر را جهت می‌دهد و فرهنگ اجتماعی‌اش را دگرگون می‌سازد و بر نوع اجتماعی‌شدن و جامعه‌پذیری‌اش، تصمیم‌گیری می‌کند و انسان را به یک موجود کژاندیش

۱. طباطبایی حکیم، منهاج الصالحین ۳: ۶۲، م ۲۵۰.

۲. موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل ۳: ۲۴، س ۱۱.

۳. تبریزی، استفتانات جدید ۲: ۲۳۱، س ۱۰۳۸.

و هنجارگش مبدل ساخته است. در این راستا، اولین برنامه برای نوجوانان و جوانان طراحی شده است؛ چرا که آنان آماده‌ی جامعه‌پذیری و ایفای نقش‌های مهم اجتماعی هستند و طراحان به این وسیله کشورها را زیر سلطه‌ی خود درمی‌آورند یا از موجودیت و هویت اصلی خودشان ساقط می‌سازند. اکنون وزارت آموزش و پرورش با توجه به مأموریت خطیر خود، با همکاری دیگر نهادها، همایشی را تحت عنوان «آسیب‌شناسی تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش» ترتیب داده تا بدین وسیله ریشه‌ها، موانع و راه‌کارهای عملی جهت بازشناسی موانع و عوامل بازدارنده‌ی تربیت دینی را از طرف صاحب‌نظران در عرصه‌های مختلف شناسایی نماید. با عنایت به اهداف همایش، سؤالاتی طراحی شده که انتظار می‌رود با پاسخ‌گویی به آن‌ها، ما را در این مهم یاری فرمایید.

۱. آیا در حوزه‌ی تربیت دینی آسیبی برای جوانان و نوجوانان مشاهده می‌شود؟ اگر هست، این آسیب‌ها در چه عرصه‌هایی رخ می‌نماید؟

بی‌شک آسیب‌هایی برای جوانان و نوجوانان در حوزه‌ی تربیت دینی وجود دارد که در دو شاخه خلاصه می‌شود: آسیب‌های اعتقادی و آسیب‌های اخلاقی که اگر روی آن کار جدی انجام نگیرد، در آینده شاهد مشکلات مهم دینی و اجتماعی و سیاسی خواهیم بود.

۲. منشأ این آسیب‌ها و عوامل آسیب‌زا چه چیزهایی است؟

منشأ این آسیب‌ها را می‌توان در امور زیر خلاصه کرد:

(الف) وجود عوامل تشویق‌کننده به مفسد اخلاقی و اباحی‌گری که از ویژگی‌های عصر ماست؛

(ب) تفسیر نادرست از مسئله‌ی آزادی و عدم توجه به این نکته که همیشه آزادی‌ها در چارچوبه‌ی ارزش‌هاست؛

ج) عدم اطلاع‌رسانی صحیح و به موقع و محروم ماندن قشر جوان و نوجوان از آموزش‌های مستمر و گسترده‌ی دینی؛

د) از همه مهم‌تر، دست‌های مرموز سیاست مخرب دشمنان است که برای دور کردن جوانان از حوزه‌ی تربیت و اعتقادات دینی از طرق مختلف فعالیت می‌کند و معتقد است مانع اصلی نفوذ در عرصه‌ی سیاسی کشور ما، اعتقادات محکم مذهبی و پای‌بندی به اخلاق دینی است و به‌راستی اگر آن‌ها در کار خود موفق شوند، مانع مهمی بر سر راه نفوذشان باقی نمی‌ماند.

۳. راه کارهای اصلاح و تغییر در وضع آسیب‌ها و هم‌چنین وضعیت مطلوب

برای زدودن آسیب‌ها را در چه چیزهایی ارزیابی می‌فرمایید؟

☞ راه کارهای اصلاح نیز در امور زیر خلاصه می‌شود:

الف) آموزش مستمر با منطق و ادبیات خاص جوانان؛

ب) حل مشکلات مربوط به تحصیل و کار و ازدواج جوانان؛

ج) پاک‌سازی محیط از مراکز و عوامل فساد؛

د) همکاری تنگاتنگ تمام رسانه‌های جمعی در این زمینه.^۱

۲. ارشاد جاهل

☞ ارشاد جاهل در موضوعات لازم نمی‌باشد و واجب نیست کسی که نسبت به موضوع اطلاع ندارد را ارشاد نمود؛ مگر در موردی که معلوم باشد شارع مقدس به وقوع آن کار- هرچند نسبت به جاهل به موضوع- رضایت ندارد. مثل اشتباه کسی که قتل او حرام است با کسی که قتل او جایز است.^۲

☞ چنان‌چه فردی در موردی بی‌اطلاع از حکم شرعی باشد و به‌علت ندانستن

۱. مکارم شیرازی، استفتانات جدید ۳: ۵۳۵، س ۱۴۹۱.

۲. حسینی سیستانی، توضیح المسائل جامع ۱: ۶۲۴، م ۲۲۲۱.

مسئله‌ی شرعی، واجبی را ترک یا حرامی را مرتکب گردد، در صورتی که فرد جاهل، درصدد تعلّم و فراگیری است و احتمال تأثیر نیز وجود داشته باشد، ارشاد وی و یاددادن مسئله‌ی شرعی به او واجب است؛ مگر در موارد سختی فوق‌العاده و غیرقابل تحمل یا ضرر قابل توجّه. بنابراین کسی که نمی‌داند استفاده از انگشتر طلا بر مرد حرام است یا گوش دادن به موسیقی لاهی و غنا حرام است یا پوشش قدم پای زن در مقابل نامحرم واجب است و به‌علّت جهل به حکم شرعی و ندانستن مسائل محلّ ابتلاش این موارد را رعایت نمی‌کند، ارشاد او با وجود شرایط فوق واجب است.^۱

✉ در چه سنی لازم است پدر و مادر به فرزندانشان احکام شرعی و عبادات را تعلیم دهند؟

پدر و مادر باید احکام شرعی مورد ابتلای فرزندان را که در صورت عدم یادگیری، در وقت عمل فرصت یادگیری آن را ندارند، از قبل به آن‌ها تعلیم دهند.^۲

✉ اگر عقاید صحیح و احکام الزامی در حدّی در سطح جامعه پخش و منتشر شده است که اگر طفل یا بالغ خودش بخواهد می‌تواند از آن عقاید و احکام مطلع شود، آیا پدر یا مادر باز هم نسبت به تعلیم و تربیت آن‌ها وظیفه‌ی دیگری دارد؟

اكتفا به آن کافی نیست؛ باید وظایف خودشان را انجام دهند؛ والله العالم.^۳

✉ اگر پدر یا مادر، کتاب‌ها یا نرم‌افزارهای آموزشی و... را برای استفاده فرزندان

۱. همان، م ۲۲۲۲.

۲. شبیری زنجان، استفتانات پایگاه اطلاع‌رسانی، س ۵۴۰.

۳. صافی گلپایگانی، استفتا از دفتر، کد ثبت ۱۵۲۱، س ۱۸.

در خانه فراهم کرده باشند که چنانچه فرزندشان بخواهد می‌تواند به راحتی از آن امکانات استفاده نموده و عقاید صحیح و احکام الزامی محلّ ابتلاي خود را یاد بگیرد، آیا آن‌ها به وظیفه‌ی خود عمل کرده‌اند؟ (حتی در صورتی که شک داشته باشند یا بدانند فرزندشان از آن امکانات استفاده نمی‌کند و در نتیجه به گمراهی عقیدتی یا عملی مبتلا می‌شود).

❏ در فرض سؤال به وظیفه عمل نشده است؛ و الله العالم.^۱

❏ آیا می‌توان گفت که: بر پدر و مادر واجب است که برای فرزند خود امکاناتی فراهم کنند تا اطمینان کنند که فرزندشان عقاید صحیح واجب و احکام الزامی محلّ ابتلاي خود را یاد می‌گیرد؟ اگر این چنین نیست لطفاً توضیح لازم را بیان فرمایید.

❏ تهیه‌ی امکانات به تنهایی کافی نیست. باید به نحوی که در پاسخ سؤالات سابقه بیان شد،^۲ عمل نمایند. بلی، اگر بعد از فراهم نمودن امکانات، یقین کنند فرزند از آن‌ها استفاده کرده تکلیفی ندارند؛ لکن نکته‌ای که یادآوری آن لازم است این است که وظیفه‌ی پدر و مادر یا مربی و معلّم مقطعی و موقّتی نیست؛ بلکه چون هر فردی تا زنده است در معرض وقوع در فساد عقیده و اخلاق و عمل است، وظیفه‌ی ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر محدود به یک برهه از زمان نیست و تا آخر عمر ادامه دارد؛ و الله العالم.^۳

❏ اگر ولیّ دانش‌آموز به این خاطر فرزند خود (اعمّ از طفل یا بالغ) را در مدرسه‌ای ثبت‌نام می‌کند یا به جلسه‌ای می‌فرستد که در آنجا عقاید صحیح واجب و احکام الزامی را به او بیاموزند، آیا بر اولیای مدرسه یا مسئول

۱. همان، س ۱۹.

۲. سایر سؤالات این مجموعه، در این کتاب آمده است.

۳. همان، س ۲۰.

جلسه انجام آن کار واجب می‌شود؟ اگر ولی دانش‌آموز این امر را در ضمن عقد لازمی شرط کند چه طور؟

✍ از جهت مذکوره بر اولیای مدرسه یا مسئول جلسه واجب نمی‌شود و آن‌ها به نحو کلی چنانچه قبلاً بیان شد باید انجام وظیفه کنند؛ بلی اگر در ضمن عقد لازمی شرط شود، از این جهت نیز تکلیفاً واجب می‌شود؛ و الله العالم.^۱

✉ آیا اگر دیدیم شخصی نسبت به حکم کلی جهل دارد، لازم است به طور شخصی او را ارشاد کنیم یا همین که حکم شرعی به طور عرفی در معرض دست‌رسی او باشد، کافی است؟

✍ در فرض سؤال باید آن شخص را ارشاد به حکم کرد؛ و الله العالم.^۲

✉ آیا در بحث ارشاد جاهل عناوینی مثل شوهر، ولی یا مربی در تعلیم زوجه و فرزند و متربی موضوعیت دارند؟ یا این که ارشاد جاهل بر هر فردی لازم است و تفاوتی میان این افراد و سایرین وجود ندارد؟

✍ در مورد امثال شوهر، ولی، مربی چون با فرزند یا متربی، در تماس دائمی و برخورد هستند، ارشاد واجب است؛ اما نسبت به عموم و توده‌ی مردم، ارشاد فرد فرد لازم نیست و همان تبیین احکام و در دست‌رس بودن کافی است؛ و الله العالم.^۳

✉ اگر تقلید کسی اشکال داشته باشد، آیا وظیفه داریم به او گوشزد کنیم؟

✍ اگر جاهل به مسئله است، ارشاد نمایید.^۴

✉ اگر مشاهده کنیم که شخصی بعضی از افعال نمازش را اشتباه انجام می‌دهد،

۱. همان، س ۲۱.

۲. همان، س ۲۳.

۳. همان، س ۲۴.

۴. بهجت فومنی، استفتائات ۱: ۳۹، س ۱۱۵.

وظیفه‌ی شرعی‌ام چیست؟

در این مورد چیزی بر شما واجب نیست؛ مگر این که اشتباه ناشی از جهل او به آن حکم باشد که در این صورت احوط ارشاد و راهنمایی وی است.^۱

۳. امر به معروف و نهی از منکر

«معروف» یعنی کار نیکی که عقل خوبی آن را درک می‌کند و یا شرع مقدّس، ما را به خوب بودن آن راهنمایی کرده است و «منکر» یعنی کار بد و ناپسند که عقل، بد بودن آن را درک می‌کند و یا شرع مقدّس ما را از ناپسند بودن آن آگاه نموده است.^۲

۱-۳. شرایط امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر در صورتی واجب می‌شود که شرایط زیر وجود داشته باشد:

۱. معروف از واجبات شرعی و منکر از حرام‌های شرعی باشد؛
۲. کسی که امر به معروف یا نهی از منکر می‌کند معروف و منکر را - هرچند به طور اجمالی - بشناسد؛
۳. کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، احتمال تأثیر در شخص خلاف کار بدهد؛
۴. شخص خلاف کار، قصد انجام منکر را داشته باشد یا مشغول به انجام آن باشد؛
۵. شخص خلاف کار در ارتکاب منکر یا ترک واجب، معذور نباشد؛
۶. امر به معروف و نهی از منکر برای کسی که امر به معروف و نهی از منکر

۱. حسینی خامنه‌ای، أجوبة الإستفتائات (فارسی): ۱۵۱، س ۷۲۹.

۲. حسینی سیستانی، توضیح المسائل جامع ۱: ۶۱۷، م ۲۲۰۱.